

- شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۰**
- سال دوازدهم - شماره ۲۲۵۵**

سرخوشی معتادان وموادفروشان ره‌آورد خواب خوش مسئولان

از جرائم در جامعه است بنابراین اولین قدم سالم‌سازی جامعه و ایجاد شهر ایمن حذف اعتیاد و معتاد است.

۹۶- نفر با عنوان اینکه هیچ‌کدام از این افراد لایق ترحم، دلسوزی و یا گذشت نیستند براین باورند که وقتی آن‌ها به خود و خانواده خود رحم نمی‌کنند پس چه انتظاری هست که به ما رحم کنند؛ باید (مثل چند دهه قبل) با شدت و بدون گذشت با این جماعت برخورد کرد.
-جمعی بالغ‌بر ۸۸ نفر معتقدند سازش و مدارا کردن، مسامحه، کاهش و حذف مجازات‌های سنگین باعث شده تا عمق و دامنه اعتیاد در جامعه افزایش یابد.

از دید این گروه راهکارهای علمی، دانشگاهی، تئوری و متعطف نمی‌تواند بازدارنده باشد و باید فکری اساسی برای جمع‌آوری و درمان آن‌ها کرد.
از منظر این گروه اگر فردی که با اراده معتاد شده نتواند با اراده خود ترک کند بمیرد بهتر است.
-تعداد ۸۰ نفر از گفت‌وگوشوندگان، حضور معتادان در سطح شهر را اظهر من‌الشمس عنوان و تأکید کردند انکار این حضور توسط هرکس، یا نشان از بی‌اطلاعی آنان به وضعیت شهر دارد و یا نشان از به سخره گرفتن شعور مردم.

-جمعی بالغ‌بر ۷۶ نفر با اشاره به اینکه به‌طور مداوم و به‌کرات شاهد حضور این افراد (به‌خصوص معتادان متجاهر) در کوچه، خیابان و یا محله خود بوده‌اند معتقدند عدم برخورد بازدارنده باعث شده تا این افراه با خیال راحت در شهر تردد کنند.

همین گروه صحنه‌های حضور این افراد را بزرگ‌ترین و مهلک‌ترین ضربه به سیما منظر شهری و ساختار فرهنگی و امنیتی آن عنوان کردند.

۶۹- شهروند حاضر در گفت‌وگو براین عقیده‌اند که باید مثل گذشته با ایجاد شوهر‌زار و زندان و حتی مجازات‌های سنگین‌تر، این افراد را سر راه آورد وگرنه با مجازات‌های نکش مرگ من و جریمه، نه‌فقط این کار محقق نمی‌شود بلکه آن‌ها را جرّی‌تر خواهند کرد.

-۵۳ شهروند همدانی اصلاح، رفع نواقص و خلأهای قانونی در برخورد با معتادان و موادفروشان را خواستار شده و عنوان کردند تا قوانین اصلاح نشود تلاش نیروی انتظامی بی‌نتیجه خواهد ماند.

۴۷ شهروند با تأکید بر کاهش سن اعتیاد و حضور آشکار زنان معتاد، بروز چنین وضعیتی را برای شهر همدان فاجعه عنوان کرده و گفتند اگر این روند ادامه یابد باید منتظر روزهای بسیار سیاهی برای شهر باشیم.

-همین‌گروه با اشاره به هزینه‌های درمان بیماران خاص و گذشتن از تکرار و یادآوری این هزینه‌کرد حتی یک ریال برای نگهداری و درمان این افراد را حرام و پول هدر دادن تلقی کردند.

-در این مجموعه گفت‌وگوها ۴۱ شهروند همدانی ابراز کردند که هرگونه تلاش مخاطرات و برآیندهای حاصل از حضور معتادان و فعالیت موادفروشان قبل از خودشان به مسئولان و مدیران برمی‌گردد؛ معتقدند این قانون؛ دولت و سلسله‌مراتب مدیریت شهری است که وظیفه جلوگیری از بروز این آسیب‌ها را دارد و طبعاً مسئولیت هرگونه حادثه نیز هم‌وزن مرتکب، به آن‌ها هم منتصب خواهد شد.

جامعه را در مقال آنان رسماً بی‌دفاع کرده و اکنون خود به حاشیه رفته و شده‌اند مصداق بارز همان عبارت کی بود؟ کی بود؟ من نبودم...!

شهروندان مطالبه‌گر شهری ایمن و سالم
و اما به‌طور منطقی و بر اساس عقل سلیم، داشتن شهری سالم و ایمن به دور از هرگونه موضوعی که به‌نوعی باعث بروز آسیب خطر و چالش برای شهروندان گردد حق مسلم همه ماست که حالا البته فرقی هم نمی‌کند این خطر بافت فرسوده در حال تخریب باشد یا عامل مخرب دیگری چون یک فرد شرور، جنایت‌کار و یا موادفروش و معتاد.

ما حق داریم به‌عنوان شهروند در شهری قدم بزنیم که در آن جان، مال و سلامتمان دستخوش آسیب نگردد. یک شهر زیبا و توسعه‌یافته به دور از هرگونه صحنه‌ای که روح و روانمان را آزار دهد حق همه ماست البته برای رسیدن به چنین آرمان شهری همکاری مؤثر، کمک‌های مادی و معنوی و در نهایت تلاش همدگانی مردم و مسئولان بسیار لازم و ضروری است اما...! فراموش نکنیم که انجام برخی امور به لحاظ داشتن تبعات قضائی و روانی بیشتر از آنکه وظیفه مردم باشد در ید اختیار مسئولان و نظام مدیریتی شهرهاست که البته جمع‌آوری کنترل و درمان معتادان و به‌صورت ویژه برخورد قاطع با موادفروشان از آن جمله است.

این بدان معناست که مردم فقط تا مرز اطلاع‌رسانی و در موارد خاص اعلام شکایت به مبادی مربوط می‌توانند در بحث این افراد ورود پیدا کرده و از آن پس این وظیفه سازمان‌های قضائی و انتظامی و بعضاً بهزیستی و درمانی است که سر رشته کار را در دست گرفته و با این جماعت برخورد کنند.
بنابراین این انتظار غیرمعقول و خلاف قانونی است اگر مسئولی فکر کند تک‌تک مردم موظف‌اند تا در جمع‌آوری، کنترل و کمک‌رسانی، سم‌زدایی و ترک و... به معتادان کمک کرده و به‌موازات خانواده و بستگان آن‌ها با پرداخت پول و مالیات سرمایه درمان و بستری آن‌ها را تأمین کنند، سخت در اشتباه و انحراف مدیریتی به سر می‌برند.

در واقع از صحبت‌های نزدیک به ۱۰۰ نفر از شهروندانی همدانی این‌گونه برداشت می‌شود که نه‌فقط مردم از وجود این افراد در کنار خود متنفر بوده و حضور معتادان را منجرکننده، آسیب‌زا و تهدیدبرانگیز می‌دانند بلکه از مسئولان و تصمیم‌گیران می‌خواهند تا با اتخاذ راهکارهای قاطع، جامعه را از آلودگی وجود آن‌ها پاک کنند.
و اما در مجموع جمع‌بندی گفت‌وگوهای صورت‌گرفته از سوی خبرنگاران روزنامه سپهرغرب با حدود ۱۰۰ نفر از شهروندان همدانی اعم از خانم و آقا در سطح شهر و در طی یک هفته در خصوص موضوع حضور معتادان و موادفروشان و تبعات حضور آن‌ها انتظارها از مسئولان این‌گونه عنوان می‌شود که:

-تقریباً همه این ۱۰۰ شهروند با تأکید بر آسیب‌های جدی حضور این افراد در شهر، اعتیاد را یکی از بدترین و ساه‌ترین معضلات و مشکلات اجتماعی شه دانستند.

همین گروه با اعتقاد راسخ براین باورند که اعتیاد و فرد معتاد سرمنشأ بروز نرخ بالایی

از اینکه گزارش‌های ما برای مسئولان خوشایند نبوده و باب طبع و سلیقه مشکل‌پسندان نیست عذرخواهی نمی‌کنیم، بیان حقایق هرچند تلخ، سیاه یا مغایر با خواسته‌های مسئولان، وظیفه ذاتی یک رسانه راستین و مردمی است.



در واقع اکنون این سؤال را باید از کسانی که هنوز معتقد به روش‌های دانشگاهی نظریه‌های کاغذی انسان‌دوست و مهربان هستند پرسید که با توجه به شرایط فعلی و پس از گذشت سال‌ها سهل‌انگاری، مماشات و هزینه‌کرد میلیاردی ریال سرمایه برای همایش و نمایش‌های کاغذبازی و روابط اداری آیا نتیجه مثبت و قابل قبولی از اتخاذ راهکارهای ارائه‌شده از سوی شما عاید ما شده؟
واقع امر اینجاست که برخی چه خوشایندشان باشد چه نباشد آنچه که امروز به‌مانند طاعون بی‌غیرتی، بی‌ارادگی، بی‌ارزشی، بی‌هویتی، کدوک‌آزاری و همسر آزاری در گوشه‌گوشه شهر ما پراکنده شده و چهره و آبروی یک شهر را مورد لطمه و خدشه قرا داده و فقط خدا می‌داند تا کی و کجا قرار است سلامت، امنیت و پیکانه‌اش جامعه و خانواده‌های ما را به‌صورت جدی، بدون حد و مرز و با مستقیم و غیر مستقیم تهدید کند
کنگره که با هدف تأثیرات پاندمی کرونا برگزار می‌شود و سبز گرایش افزایش خرده‌فروشی، کاهش و حتی حذف مجازات و متعاقباً دادن تسهیلات و حق هنجارشکنی را به آن‌ها داده و کلیت یک

اندام خود برای شهر و شهروندان اقدام به شاخ و شانه و خط و نشان‌کشی برای قانون هم می‌کنند.
و البته این در حالی است که بر اساس عقل سلیم و منطق اداره شهر می‌طلبید برای داشتن جامعه‌ای ایمن و تأمین سلامت تک‌تک افراد جامعه بالأخص نسل جوان، با نگاهی واقعی و نه مصلحتی به شرایط و اتفاقات موجود به این مسئله بی‌تفاوت نبوده و همان‌گونه که جامعه را برای خشونت‌طلبان، تبهکاران، سارقان و کلاهبردارن نامن می‌کنیم این رویه را نیز در قبال معتادان و به‌خصوص متجاهران و خرده‌فروشان باشد هرچه بیشتر در دستور کار قرار داده و باور کنیم تنها زمانی می‌توان به معنای واقعی ریشه اعتیاد را خشکاند که با تدابیر قاطع و منسجم و بدون تعارف و مماشات به جنگ این جماعت رفته و به جای ترحم و دلسوزی و نظریه‌های قهقراپی علمی و کاغذی در قالب جنایت‌کارانی اطمینانی آنان را با اعمال مجازات‌های متناسب با جرم از قیل حیس، زندان و حتی مرگ به راه راست و سر

جامعه قد علم کرده و از حقوق اجتماعی خویش نیز سخن بگویند بی‌آنکه بخواهند بپذیرند که با اعتیاد خود چه بر سر خانواده و جامعه خویش آورده و خواهند آورد.

روند روال غیر قابل قبول و توجیهی که باعث شده امروزه بسیاری از ارگان‌ها، نهاده‌ها، دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی نیز لب به اعتراف گشوده و حتی به‌رغم میل و مصالح خود رسماً اعلام کنند که در بحث اعتیاد (به‌خصوص نسل جوان) کشور ما در حال تجدد حق مسلم همه نامناسب و نامطلوبی است ضمن اینکه ارائه برخی از این‌گونه آمارها نیز صرفاً خارج شده از سیاه آماری‌های ثبت و اعلام شده از سوی مراجع رسمی است و اگر بخواهیم آماری‌های خاکستری و پنهانی را نیز که از طریق تخمین‌های کارشناسی به دست می‌آید به این رقم اضافه کنیم قطعاً نشان‌دهنده وضعیت بسیار نامناسب‌تری خواهد بود.

ترجم به معتاد متجاهر یا ستمگری به جامعه بی‌دفاع...!

و حالا هرچند به گفته مسئولان قضائی و انتظامی استان و به‌صورت خاص شهر همدان برخورد با مسئله اعتیاد اعم از خرده‌فروشان و معتادان و صورت ویژه معتادان متجاهر در اولویت فعالیت‌ها قرار داشته و برای نیل به این منظور هم برنامه‌ها و تلاش‌های زیادی در دستور کار قرار گرفته و حالا از ماحصل این تلاش‌های همه‌جانبه و شبانه‌روزی دیگر شاهد حضور آشکار معتادان (چه انفرادی و گروهی و یا عادی متجاهر) در سطح شهر نیستیم و درعین حال بساط خرده‌فروشی هم جمع شده و محلات آسیب‌زا نیز در سیطره نظارت و کنترل ۲۴ ساعته هستند...!
باین‌حال و با عرض پوزش از آن‌دست مسئولان و مدیرانی که احتمالاً هنوز به درک درست و درمانی از وضعیت کمی و کیفی اعتیاد در شهر همدان نرسیده‌اند باید عرض کرد که برعکس تصورات شما اما هنوز کمتر شهروند همدانی را می‌توان یافت که به‌نوعی در مقام تأیید قطعی و بی‌چون و چرای این صحت‌ها برآید.

در حقیقت ما منکر تلاش‌ها و مبارزه سیستم قضائی و به‌خصوص نیروی انتظامی در برخورد با این گروه‌ها و افراد نیستیم اما باین‌حال نیز داستان مشاهدات عینی و یا اخبار واصله مبتنی بر حضور معتادان و فعالیت موادفروشان در سطح محلات و مناطق مختلف شهر که به‌صورت انفرادی و حتی تجمع‌های ده‌ها نفری در حال مصرف و یا خرید و فروش بوده و حتی در برخی مناطق کار را به مرز هشدارهای جدی در خصوص آسیب‌های متأثر از اعتیاد رسانده‌اند نیز دم خروسی نیست که بتوان آن را به‌صرف یک قدم حضرت عباس (ع) برخی مصلحت‌اندیشان نادیده گرفته و یا منکر شد.

افرادی که نه‌فقط در حاشیه‌نشین‌ها و مناطق خاص بلکه در بطن و متن شهر حضور داشته و نه‌تنها برای هیچ‌کدام از قوانین، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی، فردی، خانوادگی و اجتماعی اهمیتی قائل نبوده و حتی تشنگی و سود حاصل از خرید و فروش مواد را به عمری تباهی زن، فرزندان و خانواده و یا تباهی جامعه ترجیح می‌دهند بلکه بعضاً حتی با حضوری پررنگ و گستاخانه با عرض

سپهرغرب، گروه اجتماعی – عباس سرپیشی؛ نمی‌توان به‌صرف قسم مصلحتی مسئولان، واقعیت اظهر من‌الشمس حضور معتاد متجاهر در شهر را انکار و یا باور نکرد در عین حال مسئولیت تمام برآیندها و هرگونه تبعات منفی ناشی از حضور معتادان و فعالیت موادفروشان در شهر نیز در وهله نخست بر عهده مسئولان است.

به‌تصریح کارشناسان و صاحب‌نظران، اعتیاد علاوه بر مخاطرات جسمی برای شخص معتاد اما همیشه اولین دلیل و اصلی‌ترین ماشه چکان بروز بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی نظیر نزاع، قتل، سرقت، ایدز، خشونت، خانواده، فرزندآزاری و متعاقباً شیوع انواع و اقسام جرائم و افزایش ناامنی‌ها است.

شاید بدتر از همه موارد فوق، توجه به این مسئله است که به رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در خصوص مهار و درمان این پلای شوم فراگیر اجتماعی متأسفانه در خوش‌بینانه‌ترین حالت، فقط ۲۰ درصد معتادان به درمان پاسخ مثبت داده و ۸۰ درصد موارد بهبودیافتگان مجدداً و در کوتاه‌ترین زمان به چرخه اعتیاد بازمی‌گردند.
البته هرچند به‌رغم برخی معضل اعتیاد صرفاً معطوف به کشور ما نبوده و همه جوامع بشری با آن درگیر هستند، مع‌الوصف خوب است به یاد آوریم که روزگاری نه‌چندان دور در همین کشور و حتی شهر خودمان مصرف و ابتلا به مواد مخدر اگر هم بود به این آشکاری و علنی نبود.

سن اعتیاد خیلی پایین نبود، زمان و امکان دسترسی به مواد کم و آسان نبود، نرخ اعتیاد به‌صورت خاص در میان زنان و دختران بسیار پایین بود، زمانی نام شوهر‌زار، زندان و حتی اعدام، حساب کار را به دست خیلی‌ها می‌داد و معتادان جرأت علنی کردن اعتیاد خود را در جامعه نداشتند، خرده‌فروشان به‌راحتی و آسانی اقدام به فروش مواد نمی‌کردند، مردم به وجود معتادان و موادفروشان حساس بودند و بی‌تفاوت از کنار آن‌ها رد نمی‌شدند.
اما حالا و به برکت ظهور برخی تفکرات مسئله‌دار غیر اصولی و حتی بعضاً معنادار از مدت‌ها قبل نه‌فقط داستان اعتیاد در کشور ما عوض شده بلکه مدل رفتاری فرد معتاد و جامعه نیز به شکل بنیادین استحاله شده است.

در واقع از زمانی که مقابله با اعتیاد جنبه به‌اصطلاح علمی و انسان‌دوستانه به خویش گرفته و عنوان فرد «مجرم» هم به «بیمار» تغییر ظاهر داده دیگر این افراد نه‌تنها هیچ ترس و نگرانی در خصوص زندان، حبس، بازداشت، شوهر‌زار و کمپ ندارند بلکه توقع هم دارند تا با باز و نوازش، اعطای وام و تسهیلات مالی، تخصیص متادون و سوزن جمانی، ساخت گرمخانه و غذای رایگان با شادی و برپایی همایش، تکریم و گرامیداشت مقام معتاد ... از عملکرد آن‌ها تقدیر به عمل آورده و در نهایت در صورت تمایل جامعه با هزینه‌کرد ارقامی نجومی در رفخ‌اند دوا، دارو، پزشک بیمارستان او را از عمق چاهی متعفن که با اراده خود در آن، جا خوش کرده بیرون آورد.
گو آنکه در نتیجه این تساهل و تسامح معنادار در خصوص مقابله و برخورد با معتضات به سلامت و امنیت جامعه امروز وقاحت، گستاخی و بی‌شرمی این جماعت حتی تا بدان جا رسیده که در قالب اجتماعات و یا حتی فردی در برابر

فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان معتقد است:

تضعیف شاخص‌های رشدی دانش‌آموزان ذیل سایه آموزش مجازی

دانش‌آموزان نیز در هر ساعت می‌تواند کاهش یافته و در عوض تعامل کودکان با آموزگار افزایش یابد.
به خانواده‌ها به‌ویژه والدین آموزش داده شود که یادگیری فرزندان را کنترل کرده و اختلال در یادگیری و افت تحصیلی را به برطرف شدن در سال‌های آتی محول نکنند.
رابطیان تأکید کرد: والدین تعلیم و آموزش فرزندان را بررسی کنند، مشکلات کودکان در تمرکز را جدی بگیرند، برای مراجعه به متخصصان مربوطه و درمان‌گران رفتاری و گاه تجویز دارو جبهه بگیرند.

وی افزود: دانش‌آموزان هم باید در دوران آموزش مجازی از طریق ویدئو چت و... امکان تعامل با هم‌کلاسی‌ها، دوستان و همسالان را زیر نظر معلمان داشته باشند که تعاملات اجتماعی نیز تضعیف نشود.

■ **تضعیف شاخص‌های رشدی دانش‌آموزان ذیل سایه آموزش مجازی**

این روان درمانگر ادامه داد: با اتمام همه‌گیری کرونا، بازگشایی مدارس و برگزاری کلاس‌های حضوری، معلمان و کادر مدرسه هم انتظارات و توقعات از دانش‌آموزان را (با توجه به تطبیلی مدارس در این دو سال) کاهش دهند، بعضی از مباحث آموزشی گذشته را تکرار و یادآوری کنند و ذیل سایه تشویق و محیط گرم و پذیرنده مدرسه درصد تقویت یادگیری و ارتقای آموزش باشند.
رابطیان تصریح کرد: پدر و مادر در درجه نخست والدین فرزندان (و نه معلم) بوده و در صورت مشاهده اختلاف و ناسازگاری، تنش و مجادله در خانواده به دلیل دخالت و مشارکت در آموزش فرزندان باید از نفر سوم (مثلاً معلم خصوصی) برای تعلیم و پرورش استفاده کرده و نقش خود را در این زمینه کاهش دهند.

تأثیرات این همه‌گیری در سال‌های آتی مشخص خواهد شد. برخی از نوزادان در دوران این پاندمی متولد شده و در صورت تولد در یک خانواده داغدار، افسرده، غیریپویا به‌تبع دچار مشکلاتی خواهند شد.

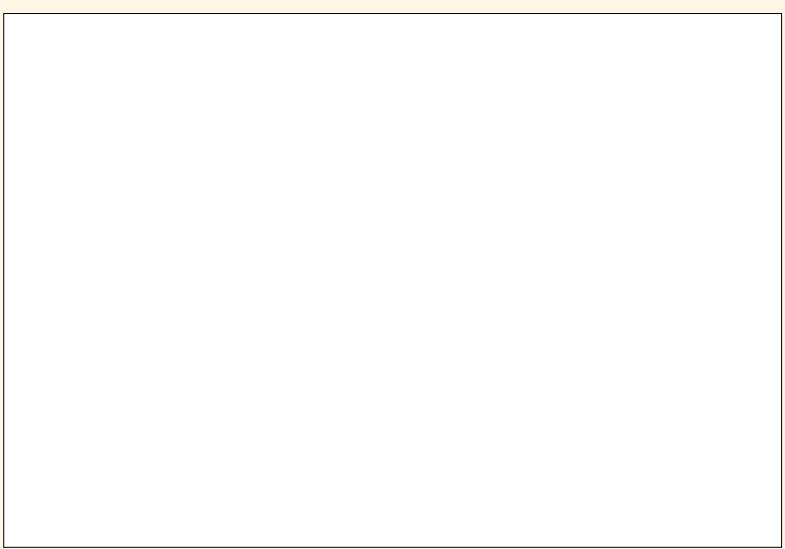
این روان‌درمانگر یادآور شد: برخی از کودکان نیز به واسطه مشکلات رشدی-تکاملی (کودکان بیش فعال، مبتلا به اختلالات طیف اوتیسم و...) با اختلال در یادگیری مواجه بوده و این قشر توسط معلمان و معاونان در محیط مدرسه شناسایی و به مراکز مربوطه ارجاع داده می‌شوند. آموزش مجازی این فرصت را هم از کودکان و نوجوانان سلب کرد.

■ **آموزش مجازی و افزایش اعتیاد دانش‌آموزان به اینترنت**

رابطیان افزود: یکی دیگر از تبعات مخرب حذف آموزش حضوری، افزایش استفاده از فضای مجازی و اعتیاد برخی کودکان و نوجوانان به این فضا بود که با اتلاف هزینه، وقت و انرژی بسیاری همراه است. شماری از دانش‌آموزان همچنین با برخی از بازی‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی آشنا شدند که متناسب با سن کودکان نیست.

■ **سیستم آموزشی کشور باید (نیمه‌حضوری-نیمه مجازی) باشد**
وی توضیح داد: امروز سیستم آموزشی کشور باید «نیمه‌حضوری-نیمه مجازی» باشد. اکنون با توجه به بروز موج ششم کرونا با سوبیه امیکرون نیز ترکیبی از آموزش حضوری و مجازی مؤثر خواهد بود. در ساختار آموزش مجازی نیز باید از سیستم‌های تصویری برای حضور فعال دانش‌آموزان بهره‌گیری شود.

این روان‌درمانگر عنوان کرد: تعداد



یادآور شد: برگزاری تست‌های هوش از این دانش‌آموزان نشان می‌داد که توان یادگیری در کودکان طبیعی بوده و افت تحصیلی به دلیل کاهش کیفیت آموزش و ناتوانی در برقراری ارتباط دانش‌آموزان با آموزش مجازی است.

یادگیری این دانش‌آموزان با آموزش مجازی است.
پس از محیط خانواده است که ارتباطات اجتماعی، تعامل با همسالان و رفاقت‌ها در آن شکل می‌گیرد. کودکان و نوجوانان در این دو سال از این تعاملات اجتماعی هم محروم شده و برای برخی کودکان و نوجوانان که آغاز دوران تحصیل مصادف با پیدایی کرونا بود، این تعاملات به طور کل تجربه نشد.

این روانپزشک با تأکید بر اهمیت این ارتباطات اجتماعی گفت: تضعیف مهارت‌های ارتباطی،

آموزش مجازی آشنا نبوده و درک صحیحی از ساختار کلاس آنلاین، نوع برگزاری، نحوه رفتار و عملکرد، برقراری ارتباط با مدرسان، دوستان و همسالان، تمرکز بر موضوعات آموزشی، نداشته و بنابراین دلایل در تعلیم و آموزش نیز دچار مشکلات یادگیری شدند.

فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان گفت: برخی از مدراس و مراکز آموزشی در کلاس‌های آنلاین از دوربین و میکروفون استفاده کرده و از این طریق برقراری ارتباط دانش‌آموزان با معلم فراهم شده و طبیعتاً آموزش و یادگیری ارتقا یافت.

رابطیان افزود: با مشاهده دانش‌آموزان از طریق دوربین، واکنش و چگونگی رفتار و عملکرد کودکان و نوجوانان، میزان فهم و یادگیری دروس را به مدرس نشان داده و شرکت دانش‌آموزان در کلاس درس فعالانه‌تر می‌شد. وی تصریح کرد: این امکان در مدارس پرجمعیت با کلاس‌های آموزشی ۳۰ تا ۴۰ نفره مقدور نبود و شیوه آقایان از طریق ارسال فایل‌های آموزشی معلم برای کودکان، نیازمند همکاری پدر و مادر بود و طبیعتاً والدین کم‌سواد یا بی‌سواد و ناتوانی در کمک به فرزندان باعث افت تحصیلی این دانش‌آموزان می‌شد.

این روان‌درمانگر با اشاره به برخی مراجعان در این زمینه گفت: افت تحصیلی و میزان یادگیری، تضعیف مهارت خواندن و نوشتن، حل مسئله، درک مطلب از تبعات مخرب آموزش مجازی در این دوران است. افت تحصیلی، کاهش میزان یادگیری، تضعیف مهارت خواندن و نوشتن، حل مسئله، ریاضی و درک مطلب از تبعات مخرب آموزش مجازی در دوران همه‌گیری کرونا است.

رابطیان با اشاره به تست‌های هوش